

## فرصت را در وقت خودش غافلگیر کن!

کسانی که در زندگی برنامه‌ریزی ندارند، فرصت‌های طلایی عمر خود را بی‌هیچ استفاده‌ای از دست می‌دهند و در حالی که وقتی فرصت رفت، دیگر برنمی‌گردد و جبران‌ش سخت است.



کسانی که در زندگی برنامه‌ریزی ندارند، فرصت‌های طلایی عمر خود را بی‌هیچ استفاده‌ای از دست می‌دهند و در حالی که وقتی فرصت رفت، دیگر برنمی‌گردد و جبران‌ش سخت است. از این جهت باید با برنامه‌ریزی قدر فرصت را بدانیم. از این رو امام علی (ع) می‌فرمایند: دیروزت از دست رفته و فردایت مشکوک است و امروزت مغتنم. پس در بهره‌برداری از فرصت ممکن شتاب کن و از اطمینان کردن به روزگار بپرهیز.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: اگر برنامه‌ریزی نباشد عمر می‌گذرد، فرصت‌ها از دست می‌روند و آینده باعث غم و غصه می‌شود. مدام با افسوس خواهیم گفت: از عمرم می‌توانستم استفاده کنم، اما نکردم. به همین خاطر است که مولای متقیان تأکید دارند فرصت را دریاب تا مایه غصه نگردد.

سرمایه‌ای که ذوب می‌شود!

از بزرگان پیشین روایت شده است معنی این سوره را من از مرد یخ فروشی آموختم که فریاد می‌زد: «ارحموا من یدوب رأس ماله!» رحم کنید به کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود! پیش خود گفتم: این است معنی «انّ الانسان لفی خسر»: عصر و زمان بر او می‌گذرد و عمرش پایان می‌گیرد، ثوابی کسب نمی‌کند و در این حال زیان کار است.

شهید محمد بروجردی همواره به نیروهایش توصیه می‌کرد جای غیبت و صحبت‌های بیهوده، حدیث بخوانند. زمانی که عملیاتی در جریان نبود، نیروهای شهید اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر ۹ بدر را در حال خواندن قرآن می‌دیدند. اگر کسی برای کاری نزد او می‌رفت، انگشتش را در لای قرآن می‌نهاد و بعد از لحظاتی دوباره آن را می‌گشود و شروع به تلاوت می‌کرد. همین قرآن خواندن فرمانده باعث می‌شد نیروها هم تشویق شوند و قرآن بخوانند. شب‌ها برای خواندن قرآن فرصت مغتنمی بود. بسیاری از نیروها در خلوت شبانه‌شان مشغول خواندن قرآن می‌شدند. یکی از رزمندگان تأثیر خواندن قرآن در جبهه را چنین بیان می‌کند: «قرآن به انسان نیرو و آرامش می‌دهد و من در این شرایط احتیاج به قدرت و آرامش دارم. وقتی توان و آرامش لازم را از قرآن گرفتم، به انجام وظیفه مشغول خواهم شد.»

انجام کارها در زمان خود

یکی از مواردی که در برنامه‌ریزی باید به آن دقت کنیم، این است که هر کاری را در وقت خودش به صورت منظم انجام دهیم. اگر کاری در وقتی برنامه‌ریزی شده که شرایط انجامش فراهم است را از دست دادیم، شاید دیگر آن فرصت به دست نیاید. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «هر کاری در گرو زمان خودش است.» خیلی از اوقات به خاطر اینکه کار خود را در وقتش انجام نداده ایم، دیگر نمی‌توانیم از آن فرصت استفاده کنیم. مثلاً در ایام جوانی ذهن انسان آماده حفظ و سپردن مطالب در حافظه است اما وقتی از فرصت جوانی استفاده نشد، در ایام بعد از جوانی کمتر به این کار می‌شود رغبتی نشان داد. از همین روی امام علی (ع) می‌فرمایند: فرصت را در وقت خود غافلگیر کن که چون فوت شد، دیگر به آن دسترسی نخواهی داشت.

شیخ انصاری با برنامه‌ریزی‌ای که داشت، علاوه بر کارهای اصلی، هر روز یک جزء قرآن، یک نماز جعفر طیار، زیارت جامعه و زیارت عاشورا می‌خواند. گویند از او پرسیدند متاهل شدن شما بر وقت و فراگیری درس شما اثر منفی نگذاشته است؟ در جواب گفت: برعکس. وقت من افزوده شده است، چراکه زمان‌هایی را صرف شستن لباس، نظافت حجره و آماده نمودن غذا می‌کردم، اکنون از آن برای فراگیری علوم استفاده می‌کنم و همسرم به من محبت می‌کند و کار شستن و نظافت را انجام می‌دهد.

برنامه‌ریزی، انسان را به اهدافش زودتر می‌رساند و جلوی ضایع شدن وقت او را می‌گیرد. چه بسا کاری که در مثلاً پنج سال بدون برنامه‌ریزی انجام می‌شد، با برنامه‌ریزی در مدت کمتری انجام می‌شود. یکی از علت‌های نیمه‌تمام شدن کارها و دیر به هدف رسیدن، همین بی‌برنامگی است.

با نظم، دلهره کمتر می‌شود

کسی که برنامه هایش منظم باشد، برای زمان نیاز به استرس و دلهره نخواهد داشت. بعضی هستند به خاطر بی برنامه‌گی حس مطالعه در وجودشان بسیار ضعیف می‌شود و در طول سال نسبت به تحصیل کوتاهی می‌کنند اما وقتی اوقات امتحانات می‌رسد، نگران می‌شوند و مطالعه را شروع می‌کنند. هرچند این هم خوب است اما اگر برنامه ریزی بود، نیاز نبود این فرد شب امتحان اینقدر نگران باشد. همه کارهای دیگر زندگی هم همین‌طور مستلزم نظم و برنامه ریزی است.

راهکارهایی برای داشتن فرزندان منظم

اول: برای داشتن فرزندان منظم اول باید آثار بی‌نظمی را در زندگی با زبان قابل‌هضم و با ملاحظت به فرزند خود منتقل کنیم.

دوم: آگاهی دادن و انتقال اهمیت نظم با زبان خوب به فرزندان. یادمان باشد تربیت شایسته و زبان ملایم بهترین راهکار برای انتقال خوبی‌ها به فرزندان است. یک اصل قرآنی هست که انسان برای انتقال خوبی‌ها باید زبان نرم و ملایم داشته باشد هرچند اگر دشمن او باشد. خدا در قرآن می‌فرماید: ای موسی! وقتی با برادرت هارون به سوی فرعون می‌روی مواظب باش و با نرمی سخن بگو. انسان در برابر دشمنش هم برای تفهیم حقیقت به او، باید با نرمی سخن گوید. شاید متذکر شود یا بترسد و از کارهایش دست بردارد. یقیناً در برابر فرزند خود باید بسیار مراعات کرد تا حرفمان روی او اثر بگذارد. یعنی اگر پدر و مادر خودشان در گفتار مودب بودند، یقیناً فرزند نظم و برنامه ریزی را در زندگی سرلوحه رفتار خود قرار می‌دهند. متأسفانه بعضی پدر و مادرها به جای انتقال خوبی‌ها از ابزار تندی و عصبانیت استفاده می‌کنند. با دیدن صحنه بی‌نظمی برآشفته می‌شوند یا فرزند را تهدید می‌کنند. پس اگر خشونت و تندی در رفتارمان باشد، اولاً به فرزندان ادب را منتقل نکرده ایم و ثانیاً بچه به جای نظم به لجبازی بیشتری تن می‌دهد.

سوم: در نظر گرفتن ظرفیت‌های فرزند و امر و نهی کردن آن‌ها در مباحث نظم بخشی برای آنان. ایجاد نظم در زندگی باید مرحله به مرحله و با حوصله اتفاق بیفتد؛ یعنی اگر نظم حاکم نیست، نباید عجله کرد، بلکه این کار یک فرآیند منطقی را باید طی کند. به نوعی پیاده کردن هر کاری که با روح و روان فرزند ارتباط دارد، باید براساس اخلاق و تعلیم و تربیت شایسته صورت پذیرد و با این روش می‌توان نظم و برنامه ریزی در زندگی را نهادینه کرد. به طور مثال وقتی فرزند شما در یک کاری از کارهایش نظم دارد، آن کار را باید دید و از او قبول کرد. این یعنی دیدن خوبی‌ها، هرچند کم باشد. در مقابل بزرگ کردن نواقص نیز باعث کم‌رنگ شدن خوبی‌ها در زندگی می‌شود. کار کم او را قبول باید کرد تا کارهای ناشایست و نامنظم را بتوانیم مدیریت کنیم. دیگر اینکه او را به کارها و دستورات عمل‌هایی که در توان او نیست، وادار نکنیم و به اندازه توانش از او کار بخواهیم. در یک کلام اینکه برای رسیدن به نتیجه نباید پرده دری کرد و به شخصیت فرزند آسیب زد. وقتی فرزندی را خوار و توهین کردیم یقیناً او زیر بار نظم و برنامه ریزی نمی‌رود، بلکه برنامه خود شما را هم در زندگی به هم می‌زند. رسول خدا (ص) فرمودند: رحمت خدا بر بنده ای که با احسان و محبت ورزیدن به فرزندش و با تعلیم و تربیت کردن، او را بر انجام دادن نیکی و خیر یاری کند. پرسیدند: چگونه فرزند خود را با نیکی یاری دهد؟ فرمودند: آنچه را کودک به اندازه توان خود انجام داده است، بپذیرد و کار طاقت فرسا از او نخواهد و او را به گناه و سرکشی وادار و به او پرده دری نکند.

چهارم: نظم برای به رخ کشیدن یا حفظ آبرو نباشد. به آن رنگ معنوی دهید. نظم بخشی به زندگی یک دستور دینی و دارای اجر الهی است و اگر کسی به این نیت و برای قصد تقرب به خدا به زندگی خود نظم دهد، همین کار عبادت محسوب می‌شود. متأسفانه بعضی یا نظم در زندگی ندارند یا اگر دارند، فقط برای به رخ کشیدن به زندگی دیگران است اما وقتی کسی در زندگی آنان نیست، نظم خاصی بر زندگی حاکم نیست، این‌ها هم خودشان اذیت می‌شوند و هم زندگی با این افراد سخت می‌شود، چراکه غالباً این افراد زندگی دیگران را زیر نظر دارند و دنبال عیب جویی هستند. در حالی که انسان باید نظم در زندگی را به عنوان یک راهکار برای پیشبرد زندگی و عمل به دستور عقل، فطرت و دین اسلام بداند.

پنجم: محبت در همه مراحل فراموش نشود. یکی از راه‌های انتقال خوبی‌ها به فرزندان محبت ورزی در زندگی است. محبت به عنوان یک اصل اساسی در زندگی می‌تواند راه انتقال نظم و برنامه ریزی در زندگی را به فرزندان منتقل کند. هر مربی در کار خود باید از این اصل اساسی غافل نشود. محبت باعث می‌شود زمینه اثرگذاری حرف را زیادتیر کند. در مقابل خشم و غضب باعث می‌شود اعصاب انسان را به هم ریخته و سبب ازهم‌گسستگی روح و روان و مدیریت در زندگی می‌شود.